



## پوشش زنان در دوره ی اشکانیان

علی عالمی محمودی<sup>۱</sup>، سمیه سبزی<sup>۲</sup>

<sup>۱</sup> استادیار گروه هنر، دانشگاه غیرانتفاعی مارلیک نوشهر، مازندران، ایران

<sup>۲</sup> دانشجوی ارشد، گروه طراحی و لباس و پارچه، دانشگاه مارلیک نوشهر، مازندران، ایران

### چکیده

دوران اشکانی عصر رواج تجارت، تکامل زندگی شهری، افزایش حضور زنان، گسترش تمایل زنان به تنوع لباس، اهمیت یافتن طراحی لباس و بروز پدیده مد محسوب می شود. از این رو هدف پژوهش پیش رو بررسی طراحی لباس این دوران از طریق مطالعه طراحی الگوی کلی، برش و دوخت است. در این پژوهش علاوه بر منابع مکتوب، ضمن بررسی موردی بر روی گزینه های متداول لباس مردان و زنان سعی در بازسازی دوباره لباس های مورد اشاره بر روی یک پیکره استاندارد و نمایش فناوری طراحی در این عصر شده است. نتایج نشان می دهد لباس اشکانی ادامه سیر تکامل تن پوش هخامنشی و نفوذ هنر یونانی است و تنها در لباس زنان و به ویژه در مناطق غربی ایران قابل مشاهده است. لباس ها از نظر طراحی محدود و لباس مردان دارای شلوار متشکل از دو پاچه مجزای آویخته از کمر و پوشش بالاتنه تونیک ساده مادی یا کت و تشک سوارکاری بوده و در هر دو مورد دارای برش ساده مستطیل شکل است. لباس زنان فاقد دوخت و متشکل از قطعات پارچه عریض پوشیده شده بر روی یکدیگر و شکل کلی آن با برش های محدود پارچه، رویه دوزی، حمایل و کمربندهای پارچه ای و آرایه های الحاقی شکل گرفته است. در این دوره شکل کلی پوشش ها محدود و تنوع ناشی از ملحقات تزئینی است. روش تحقیق توصیفی و تحلیلی و شیوه گردآوری اطلاعات به شیوه کتابخانه ای و میدانی بوده است.



مقدمه:

دوران اشکانی عصر رواج تجارت، تکامل زندگی شهری، افزایش حضور زنان، گسترش تمایل زنان به تنوع لباس، اهمیت یافتن طراحی لباس و بروز پدیده مد محسوب می شود. نتایج بررسی ها نشان می دهد لباس اشکانی ادامه مسیر تکامل تن پوش های هخامنشی و نفوذ هنر یونانی است و تنها در لباس زنان بخصوص در مناطق غربی قابل مشاهده است. لباس مردان دارای شلوار و دارای برش های ساده مستطیل شکل است. لباس زنان فاقد دوخت و متشکل از قطعات پارچه عریض پوشیده شده بر روی یکدیگر و رویه دوزی، حمایل و کمر بند های پارچه ای و آرایه های الحاقی شکل گرفته است

قدیمی ترین سند در مورد پوشاک پارتیان در پلکان آپادانا، یکی از قبایل شرقی با پوششی شبیه مادی را نشان می دهد که سربندهایی به شیوه متداول شرق ایران امروز بر سر دارند. قوامی عقیده دارد که در دوران سلوکی نه تنها لباس ایرانی تغییر ننمود، بلکه سبک لباس ایرانی گسترش یافت و بر لباس یونانیان نیز تاثیر نهاد. این پوشش در دوره بعد پارتی نیز با تغییراتی در کیفیت پارچه دیده می شود و شاکله عمومی لباس مردانه را تشکیل می دهد. با این وجود تنوع ملحقات تزئینی و نحوه شکل دادن به پارچه در این دوره سیمای متنوعی را پدید آورد.

شاه و درباریان و آزادگان جامه های پربها و جواهر نشان می پوشیدند و جامه های شاهانه غرق جواهر بود. در نقش پادشاه و ملکه از کوه خواجه، شاه دارای دو تن پوش و یک شنل است. تن پوش زیری به رنگ سفید و رویی به رنگ قرمز و آبی و شنل هم به رنگ زرد و حاشیه ای نارنجی می باشد. ملکه نیز دارای دو تن پوش



است که زیرین آن به رنگ زرد و لباس رویی به رنگ بنفش دارای نوار نارنجی رنگی در جلوی سینه است. به احتمال بسیار روستاییان با الهام از سنن قومی جامه‌های نیلی می‌پوشیدند.

بر خلاف دوره هخامنشی که از روی شواهد گنجینه جیحون، مهرها و پارچه پازیریک می‌توان این گونه استنباط نمود که زنان و مردان از تن پوش های مشابه استفاده می‌کرده‌اند؛ و تفاوت لباس زنان در پارچه ای است که به لبه کلاه آن‌ها آویخته و پشت سر قرار می‌گیرد. در دوران اشکانی زنان تن پوشی بسیار متفاوت از مردان داشتند و این مساله نشان از تغییر فرهنگی مهمی دارد.

بازنمایی پیکره های مونث در قالب تصویر و مجسمه، رواج پدیده مد و افزایش توجه زنان به آرایش، پوشش و عشق به جواهر در میان زنان، اشرافی از ویژگی های این دوره است. حتی برخی تن پوش ها، برای خودآرایی، جلوه گری اندام دوخته و پوشیده می‌شدند. در این دوره پوشاک بومی به واسطه سلیقه روز یونانی نوعی حالت ذوقی یافته بود. یکی از متداول ترین لباس زنان اشکانی دامن بلند تا روی زمین، گشاد و پرچین ، آستین دار و یقه راست بوده است. قطعات پارچه دیگر به عنوان پیراهن روی اولی پوشیده می‌شد. لباس از چهار بخش مختلف تشکیل شده است. قسمت عمومی لباس دامن بلند و چین دار تا روی زمین است .

در این دوره کیفیت پارچه در پدید آوردن ریزش های روی آن در قسمت جلو و میانی موثر بوده است، و به احتمال زیاد تفاوت میان لباس مردم عادی و درباری در کیفیت بصری ناشی از تفاوت منسوج مورد استفاده و تزیینات رویه بوده است. قسمت دوم لباس شلیته پوشیده شده بر روی دامن است. شلیته نیز یک پارچه مستطیل شکل است که در قسمت میانی بر روی سینه جمع شده و بر روی یکدیگر متصل شده و در پشت گردن قرار گرفته شده است. در این دوره افزوده های لباس و ملحقات تزیینی نقش بسیار مهمی در ایجاد



تنوع در لباس زنان داشته اند. در این دوره اغلب زنان چادر بر سر می کردند. زنان اشرافی دیهیمی بر سر می نهادند و بر روی آن دستار گونه ای می بستند که چادر روی آنها می افتاد. زنان متمول در زیر چادر دستارگونه ای جواهر نشان یا کلاهی بر سر داشتند.

بر روی سکه ای اشکانی ملکه ای را نشان داده اند که به رسم کهن تاجی باریک با کنگره های تیز سه گوش و چادر آویخته به آن بر سر نهاده است. مجسمه شاهزاده خانم دوشنفری دختر سنطروق دوم در هترا نمونه لباس مجلل زنان در آن دوره است. تمام کلاه و بخشی از لباس وی پوشیده از جواهرات است. در این دوره اغلب لباس های زنان در حین حرکت با دست نگه داشته می شد و این موضوع به عنوان رفتاری اجتماعی و بخشی از فرآیند شکل دادن به لباس مورد توجه بوده است.

از نکات مهم دیگر در این دوره استفاده از طوق های تزینی افزوده به لباس است. سومین نمونه از لباس بانوان در این دوره لباسی است که رویه دوزی های فراوان داشته و در گوشه ها با افزودن اتصالاتی در چین ایجاد شده و قطعات به یکدیگر متصل شده اند. از دیگر ویژگی های این اثر، استفاده از شال کمر برای ایجاد تنوع در لباس بانوان است.

پیراهن بانوان اشکانی بر چهار نوع بوده است:

-نوع اول، پیراهن بلندی بوده تا به کف زمین، گشاد و با یقه ی راست، پارچه ی این پیراهن دو تکه مستطیل بوده و در زیر سینه ها نواری داشته که گشادی ساده و راسته ی پیراهن را در پایین سینه جمع می کرده و در نتیجه همگی پارچه، چین های عمودی فراوان می گرفته است.



-نوع دوم، پیراهنی بوده بی آستین و بدون سرشانه، فقط دو انتهای بالای پارچه به وسیله ی دکمه ای به هم وصل می شده، و در این صوت، یقه ی پیراهن به اندازه ی همه ی پهنای پارچه، افقی باز بوده است ضمناً حلقه ی آستین ها از زیر دکمه سرشانه باز می شده (و در واقع درز بالا و پهلویی پارچه بوده که صورت حلقه آستین به خود می گرفته است) است. در موقع پوشیدن، دکمه بر روی شانه و یا اندکی پایین تر قرار می گرفته و جلوی پیراهن، پس از پوشاندن سینه ها تا حوالی ناف، اُفت پیدا میکند.



-گاهی نیز با تنگ تر گرفتن یقه، حلقه ی آستین ها را نیز در بالای پارچه قرار می دادند و در این صورت تیزی یقه جمع شده، و تا حد میان دو سینه می ایستاده است.

قد این پیراهن که پیراهن رویی بوده است نسبت به پیراهن زیری کوتاه تر ولی مانند پیراهن دیگر گشاد و متشکل از دو تکه پارچه مستطیل شکل بوده و نواری در زیر سینه ها داشته است.



-نوع چهارم، پیراهنی آستین دار بوده است، این پیراهن نیز همان دو تکه پارچه ی مستطیلی و با همان خصوصیات (فراخ، بلند و یقه راست) بوده جزو این که آستینی بلند (بیش از معمول با دم آستینی تنگ و چسبان) داشته است.





قابل ذکر است که پیراهن ها از پارچه های منقش بارودوزی مخصوصاً قلابدوزی های زیبا، تهیه می شده است.

#### چادر:

چادر، پارچه ای مستطیل بوده است که به صورت استوانه طراحی می شد. این نوع از چادر در قسمت بالای درز استوانه، زیر فلزی گرد یا شکلی دیگر، به صور مختلف بسته می شد و حلقه ای از بندهای زنجیر یا بافته های ابریشمی بر روی آن تعبیه می کردند که هنگام پوشیدن، دست چپ را از حلقه می گذرانند و آن را بر روی شانه بند می کردند و سپس چادر را روی سر قرار می دادند. نوع دیگر آن در قسمت پشت سر به کلاهی بلند و مخروطی شکل و مطبق وصل می شده که پشت سر آویزان بوده است و گاهی نیز زنان آنرا مانند شنل بر روی دوش می انداختند یا بدور کمر خود می بستند. لازم به ذکر است که کلمه چادر که واژه سانسکریتی است به اسلام اختصاص ندارد، بلکه از دیرباز ایرانیان چادر سر می کردند چون پیش از این که مذهب اسلام وارد ایران شود آن را نزد هخامنشیان می بینیم.

#### تاج:

سر مجسمه ی مرمری ملکه ای مه در شوش پیدا شده است و آنرا ملکه موزا همسر فرهاد چهارم اشکانی می دانند، دارای تاجی کنگره دار و متعلق به اواخر قرن اول میلادی است. هم چنین در پشت یکی از سکه های چهار درهمی تاج این ملکه دیده می شود.

#### شلوار:





برخی از این زنان اشکانی شلوارهای بلند و پرچین به پا می کردند که تا روی زمین ادامه داشت. چین های شلوار افقی است که حالت راحتی به آن می دهد. بلندی این شلوار تا روی کفش امتداد داشت و از بالا به پایین با حاشیه ای عریض تزئین شده بود. برخی از شلوارها نیز روی کفش را نمی پوشاند چون در داخل پوتینی نرم با زبانه ای چرمی قرار می گرفت.

### نقاب:

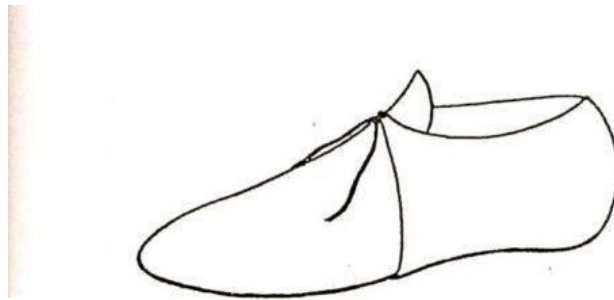
زنان روستایی قوم اشکانی اکثراً نقابی نیلی رنگ بر چهره داشتند که از پوشش مورد علاقه ی زنان بر روی صورت بوده است و گاهی آن را به پس سر می آویختند.

### کلاه و سرپوش:

نقش برجسته ای از پالمیرا در موزه ی لوور وجود دارد که بانویی از دوران اشکانیان را نشان می دهد این بانو چادری بر سر دارد و از زیر آن، سرپوشی نمایان است به شکل عمامه مانند بوده و بافتی خوب و جالب دارد. بر بالای پیشانی و پایین سرپوش، فلزی پهن (کنده کاری و برجسته کاری) موی سر را چون نواری پوشانده است و بقیه ی موها در دو طرف به وضعی مطلوب به عقب کشیده شده اند. ضمناً کلاه بزرگ و با شکوه شاهزاده واشفاری، یکی از وجوه تمایز او از دیگر بانوان اشکانی است. برای این شاهزاده چادر نه روی یک سرپوش ساده، بلکه بر یک کلاه چند قسمتی قرار دارد که از پنج ردیف تشکیل شده است و به صورت اریب از دو ردیف سنگ های گران قیمت تشکیل شده است که از نوک تاج عبور می کنند. با یک حرکت زیبای دست واشفاری، چادر بر روی زانوهای جمع شده است.

### کفش:

کفشی که بدون تردید مورد استفاده بانوان اشکانی بوده، کفشی است دارای مدلی ساده که رویه ی آن از دو تکه چرم تشکیل شده و به وسیله یک بند جلوی دهانه ی کفش گل گره زده می شده است.



کفش زنان اشکانی و کفش نوع اول مردان اشکانی

#### کمر بند:

کمر بند زنان برخلاف مردان، نواری باریک بود که در زیر سینه پیراهن را جمع می کرد و موجب بروز چین هایی لطیف و ظریف در روی سینه و پایین آن و نیز در حاشیه ی دامن لباس می شد. این کمر بند را با نام آپودرم می شناختند.

#### زیورآلات:

به نقل از اردشیر خدادادیان بانوان اشرافی ایران اشکانی به زیورآلات و جواهرات علاقه ای فراوان داشتند. در مورد آرایش زنان، به گزارش رومیان، برای لبها رنگ سرخ، برای پشت چشمها رنگ سیاه که عمدتاً سرمه بوده است و نیز سرخاب برای گونه ها به کار می بردند. زنان گیسوان خود را به شیوه ی یونانیان آرایش می کردند و از میان سر فرق می گشودند و جواهرات بر تأثیر آرایش می افزود.



## منابع:

۱. آکرمن، فیلیس، پوپ، ۱۳۸۸، *آرتور سیری در هنر ایران*، جلد دوم، ترجمه: گروه مترجمان، نشر علمی و فرهنگی، تهران.
۲. تاجبخش، احمد، ۱۳۸۲، *تاریخ مختصر تمدن و فرهنگ ایران قبل از اسلام*، نشر یادواره کتاب، تهران.
۳. دوبواز، نیلسون، ۱۳۴۲، *تاریخ سیاسی پارتا شکانیان*، ترجمه علیا صغر حکمت، انتشارات بن سینا، تهران.
۴. دوشن گیمن، ژاک، ۱۳۸۵، *دین ایران باستان*، ترجمه: رویا منجم، انتشارات علم، تهران.
۵. دیاکونوف، ایگور، ۱۳۸۰، *تاریخ ماد*، ترجمه: کریم کشاورز، انتشارات علمی و فرهنگی، تهران.
۶. دیاکونوف، ایگور، لیوشیتس، آ، ۱۳۸۳، *کتیبه های اشکانی نسا*، ترجمه: شهرام حیدرآبادیان، انتشارات کلام شیدا، تهران.
۷. رجبی، پرویز، ۱۳۸۱، *هزاره های گمشده*، جلد چهارم، اشکانیان پارت ها، انتشارات توس، تهران.
۸. زرین کوب، عبدالحسین، ۱۳۷۴، *روزگاران ایران*، انتشارات سخن، تهران.
۹. صانع، منصور، ماری کخ، هاید، ۱۳۷۹، *آتشی که نمیرد*، ناشر: منصور صانع، شیراز.
۱۰. غیبی، مهرآسا. ۱۳۸۵. *هشت هزار سال تاریخ پوشاک اقوام ایرانی*. تهران: انتشارات هیرمند.
۱۱. کالج، مالکوم. ۱۳۸۰. *اشکانیان (پارتیان)*. ترجمه مسعود رجب نیا. تهران: انتشارات هیرمند.
۱۲. گیرشمن، رمان، ۱۳۷۰، *هنر ایران در دوران پارت و ساسانی*، ترجمه: بهرام فره وشی، انتشارات علمی و فرهنگی، تهران.
13. Borgmann, Albert Technology as a Cultural Force, The Canadian Journal of Sociology 31 (3), 2006.
14. Derber, Charles The pursuit of attention: power and ego in everyday life, Oxford university press, Oxford, 2000.



15. Farrokh, Kaveh, Mc bride, Angus ,Sassanian elite cavalry, Osprey Publishing, Oxford, ۲۰۱۶
16. Foster, Benjamin R. The Epic of Gilgamesh, W.W. Norton & Company. New York, ۲۰۲۰.
17. Kawami, Trudi. S. Monumental Art of the Parthian period in Iran, Acta Iranica 26, 1987.
18. Kawami Trudi. S. Clothing III, Encyclopedia Iranica (<http://www.iranica.com/articles/clothing-iii>), 1989.
19. Rostovtzeff, M. Carvan Cities, Clarendon Press, Oxford, 1932.
20. Rostovtzeff, M. Dura and the problem of Parthian Art, Yale Classical studies, Yale university, New Haven, 1935.
21. Rostovtzeff, M. The social and economical history of the Hellenistic world, Clarendon Press, Oxford, 1941.
22. Sarianidi, V. The Golden Hoard of Bactria: From the Tillya Excavations in Northern Afghanistan. Abrams, New York, 1985.
23. Schmidt, E. Persepolis I-II, Oriental Institute, Chicago, 1953-7.
24. Stratton, Julius Adams and Mannix, Loretta H. Mind and Hand: The Birth of MIT, MIT Press, Cambridge, 2005.